

«بررسی واژه جلاب و خمار با توجه به منابع اسلامی»

فاطمه کرمانیان^۱

چکیده:

حجاب، دستوری شرعی است که وجوب آن مستند به منابع و ادله فقهی متعددی است و حدود، آثار و کارکرد مشخصی دارد؛ قرآن مجید توصیه صریحی به حجاب زنان دارد، مفاد آیات ۳۰-۳۱ سوره نور و ۵۹ سوره احزاب از آیات اصلی مربوط به پوشش است. معنای پوشش در قرآن به صورت واژه‌های مختلفی بیان شده است. دو واژه «جلابیب» و «خمر» را به عنوان مصداق‌های پوشش برای بانوان یاد کرده است یافته‌های نشان می‌دهد که «جلاب» به عنوان پوشش جامع و ساترکننده و «خمار» به عنوان پوشش نسبی (محدود به سر و گردن) از جنبه‌های مختلف دینی، فقهی و فرهنگی به حفظ کرامت، ایجاد امنیت اجتماعی و ابراز هویت زنانه کمک می‌کنند. در این مقاله تلاش شده تا با مقایسه دو کلمه خمار و جلاب در ابعاد مختلف و انواع حجاب‌های امروزی با بهره‌گیری از شواهد لغوی و تاریخی به مصداق حجاب برتر امروزی مورد تایید قرآن دست یافته شود.

کلید واژه ها: حجاب برتر، خمار، جلاب، پوشش زنان.

^۱. طلبه سطح ۲، مدرسه علمیه حضرت زهرا(س)، احمدآباد، پایه هفتم پاره وقت.

۱- مقدمه

یکی از مقوله‌های فطری که در نهاد انسان به امانت گذاشته شده است؛ میل به پوشش و حجاب می‌باشد.

همانطور که در کتب مختلف آمده حجاب انواع گوناگونی دارد از جمله: پوششی، رفتاری، دیداری، گفتاری، شنیداری و... که در این مقاله به حجاب از نوع پوششی زنان از دیدگاه اسلام و معرفی برترین نوع آن پرداخته می‌شود.

اهمیت حجاب اسلامی تا جایی است که در قرآن از آن به عنوان یک ضرورت یاد شده و آن را حافظ انسان در برابر بسیاری از بیماری‌های جسمی و روانی می‌داند، نشانه‌های پاکدامنی و پرهیزکاری و مایه‌ی خیر بودن حجاب، بیانگر اهمیت حجاب می‌باشد؛ با توجه به تغییرات فرهنگی و اجتماعی معاصر و ظهور چالش‌های نوین در حوزه‌های هویت و حقوق زنان، تحلیل دقیق واژه‌های «جلباب» و «خمار» اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است.

اسلام علاوه بر پوشش لباس‌های معمولی، مثل پیراهن و شلوار، که زنان و مردان در داخل منزل استفاده می‌کنند، برای حجاب بیرون از منزل و در مقابل نامحرم، در قرآن و احادیث برای تامین حجاب واجب زنان، از چند نوع پوشش خاص، نام برده شده است که دوتای معروف آن «خمار» و «جلباب» پژوهش حاضر مسئله‌های مربوط به معانی لغوی، تفاسیر قرآنی و برداشت‌های فقهی از این

واژه‌ها را بررسی می‌کند تا با ادغام نتایج به‌دست‌آمده، چارچوبی جامع جهت تبیین پوشش زنانه ارائه دهد.

از آنجا که لزوم پوشیدگی بدن بانوان از مباحث بسیار مهم و اساسی به شمار می‌آید که مورد توجه اندیشمندان مسلمان بوده‌است پاسخ به این سوال که بهترین و کاملترین حجاب برای زنان چیست از مسائل مهم مربوط به حجاب شناخته می‌شود. نوشتار پیش رو که با روش توصیفی و منابع کتابخانه‌ای فراهم شده، در تلاش است با بررسی کلمات خمار و جلباب در قرآن برای حجاب و تبیین معنای هرکدام تا حدودی به پاسخ این سوال پرداخته می‌شود.

۲- مفهوم شناسی

در قرآن کریم دو ابزار خاص برای حجاب و پوشش بانوان بیان گردیده است: «خمار» و «جلباب»

۲-۱- خمار

خمار در لغت: خمار به کسر خاء جمع (خُمُر) در قرآن کریم آمده است. در کتب لغت خمر، به معنای نهان کردن، پوشاندن، مخفی کردن است. خمار به معنای روسری زن، سربند و پوشش و... معنا شده.^۱

^۱. اصول کافی، کلینی، محمد بن یعقوب، ج ۵، ص ۵۲۰-۵۲۱، باب يحل النظر اليه من المرأة.

خمار در اصطلاح: همچنین خمار به معنای جامه ای است که زن سر خود را با آن می پوشاند.^۱

در تفسیر سوره نور در معنای خمار آمده است. خمار در اصل به معنای پوشش است ولی معمولاً به

چیزی گفته می شود که زنان با آن سر خود را می پوشانند مانند روسری.^۲

خمار بیشتر به عنوان پوششی نسبت به سر و گردن با جنبه های زیبایی شناسی و فرهنگی به

چشم می خورد.

در قرآن کریم چنین بیان شده است:

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۳ و به زنان با ایمان بگو: چشمان خود را از آنچه حرام است فرو بندند، و شرمگاه خود را حفظ کنند، و زینت خود را [مانند لباس های زیبا، گوشواره و گردن بند] مگر مقداری که [طبیعتاً مانند انگشتر و حنا و سرمه، بر دست و صورت] پیداست [در برابر کسی] آشکار نکنند، و [برای پوشاندن گردن و سینه] مقنعه های خود را به روی گریبان هایشان بیندازند، و زینت خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران

^۱. المصباح المنیر، فیوسی.

^۲. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، ج ۱۴، ص ۴۴۰.

^۳. سوره نور، آیه ۳۰.

برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان [هم کیش خود] شان، یا بردگان زر خریدشان، یا خدمتکارانشان از مردانی که ساده لوح و کم عقل اند و نیاز شهوانی حس نمی کنند، یا کودکانی که [به سن تمیز دادن خوب و بد نسبت به امیال جنسی] نرسیده اند. و زنان نباید پاهایشان را [هنگام راه رفتن آن گونه] به زمین بزنند تا آنچه از زینت هایشان پنهان می دارند [به وسیله نامحرمان] شناخته شود. و [شما] ای مؤمنان! همگی به سوی خدا بازگردید تا رستگار شوید.»

۲-۲-۲- جلاب

جلاب در لغت: جلاب (ازار) و (رداء) است. و گفته اند ملحفه است و آن چون مقنعه است که

زن بدان سر و پشت و سینه خود را می پوشاند، و جمع آن جلابیب بود.^۱

و در اصطلاح: جلابیب، جمع جلاب و آن جامه ای است بزرگ تر از خمار، ابن عباس و ابن

مسعود آورده اند که آن رداء است و گفته اند قناع است، و درست آن است که آن پوششی است که

همه ی تن را بپوشاند.^۲

خداوند متعال در «آیه جلاب» فرموده است :

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ

يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۳ و زنان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و

فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهرا ظاهر

می شود (بر بیگانه) آشکار نسازند، و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و

^۱. لسان العرب و النهاية ذیل لغت جلاب.

^۲. الجامع لأحكام القرآن، ذیل تفسیر آیه ۵۹ سوره احزاب.

^۳. سوره احزاب، آیه ۵۹.

۴-۳- کارکرد

جلباب: برای فهمیدن کارکرد جلباب و کیفیت پوششی آن لازم است معنای «پدنین علیهن من جلابیهن»^۱ معلوم شود، تقریباً همه مفسرین آورده‌اند که تا قبل از نزول آیه مذکور بعضی از زنان حرّ همانند زنان برده به دلیل رعایت نکردن پوشش مناسب و کامل، گاهی اوقات در بین کوچه‌ها مورد اذیت و آزار مردم لایبالی قرار می‌گرفتند، آیه شریفه نازل شد که اگر زنان می‌خواهند مورد اذیت و آزار مزاحمان قرار نگیرند، هنگام خروج از منزل، جلابیب خویش را به سر و بدن خود نزدیک سازند تا به عفت و حجاب شناخته شده و در نتیجه از مردم آزاری شهوترانان مصون بمانند. کارکرد مذکور و کیفیت پوشش جلباب، دقیقاً همان کاری است که امروزه بسیاری از دختران و زنان چادر پوشی که حساسیت بیشتری نسبت به رعایت حجاب خویش دارند، انجام می‌دهند.^۲

چادر: کارکرد چادر به گونه‌ای است که از بالای سر پوشیده شده و اطراف آن جمع و جور شده و به گونه‌ای کنترل می‌گردد تا پوشش بیشتر و بهتری داشته باشد، بسیاری از زنان حسّاس نسبت به حجاب خویش اطراف قسمت بالای چادر را جمع و جور کرده با دست خویش کنترل می‌کنند.

۴-۴- رنگ

جلباب: قرآن به زبان عربی مبین نازل شده که برای مردم عرب زبان خصوصاً مردم عرب عصر نزول قابل فهم بوده است، بنابراین باید بررسی نمود زنان مؤمن عرب عصر نزول مخاطب آیه، از واژه

^۱. سوره احزاب آیه ۵۹.

^۲. بحارالانوار، مجلسی، علامه محمد باقر، ج ۲۹، ص ۲۲۰.

جلباب برداشت‌شان چه بوده «سنن ابن داوود» در کتاب خود قضیه‌ای از امّ سلمه نقل کرده است که مبین تبادر ذهنی زنان عرب است، در کتاب ابی‌داوود آمده است، وقتی آیه «یدنین علیهن من جلابیهن» نازل شد، زن‌های انصار از خانه‌هایشان خارج شدند در حالی که پوشش مشکی داشتند، گویی بالای سر آنها کلاغ نشسته است. چون پوشش‌هایی که زنان انصار به عنوان جلابیب از آن استفاده کرده بودند سیاه رنگ بوده است، لذا به کلاغ که رنگ آن سیاه است، تشبیه شده‌اند.^۱

علاوه بر شاهد تاریخی مذکور، سکوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مقابل رنگ مشکی پوشش زنان انصار، نیز دلیل بر تقریر و تأیید آن است، شواهد لغوی فراوانی نیز برای اثبات این ادعا وجود دارد که اساساً در ریشه‌ی لغوی جلابب رنگ مشکی گرفته شده؛ زیرا جلابب در لغت از ریشه‌ی جُلَب، و یکی از معانی جُلَب در بسیاری از کتاب‌های لغوی معتبر، تیرگی و سیاهی است.^۲

حاصل این که از قرینه تاریخی مذکور و شواهد لغوی فوق استفاده می‌شود، رنگ جلابب قرآنی مورد استفاده در صدر اسلام مشکی بوده است.

چادر: گر چه رنگ چادر به اقتضاء شرایط محیط بعضاً متفاوت است، ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی خصوصاً در محیط‌ها و شهرهای مذهبی به دلیل ملازمت چادر مشکی با وقار و متانت، رنگ چادر دختران و بانوان متدین، غالباً مشکی است.

۱. عون المعبود، شرح سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۸۲.

۲. به عنوان نمونه ر. ک: لسان العرب، ج ۱، ص ۲۶۸، ذیل ریشه‌ی جَلَب.

نتیجه گیری:

این پژوهش نشان می‌دهد که برداشت‌ها از واژه‌های «جلباب» و «خمار» تلاش دارند تا با حفظ ارزش‌های مذهبی و اخلاقی، نیازهای فرهنگی و اجتماعی را همزمان پوشش دهند. با توجه به تعاریفی که از حجاب گفته شد حجاب، هر لباسی که غیر از وجه و کفین (دست‌ها تا مچ) را بپوشاند و موجب تحریک و جلب توجه نامحرم نگردد کافی است؛ ولی باید توجه داشت که همان طور که بقیه واجبات دارای مراتب مختلفی می‌باشند حجاب نیز دارای مراتب خوب، متوسط و خوب‌تر است و جلباب، حجاب برتر بانوان محسوب می‌گردد و از مقایسه جلباب و چادر گذشت که از نظر ۱- مفهوم، هر دو پوشش گسترده و بزرگ هستند که از بالای بدن و روی لباس‌های دیگر پوشیده می‌شوند. ۲- اندازه، ذکر شد که بر اساس دیدگاه صحیح در اندازه جلباب، چادر و جلباب اندازه‌شان یکسان است، به نحوی که هر دو از بالای سر تا پایین پا را می‌پوشانند. ۳- کارکرد، با توجه به معنای مذکور درباره «پدین» و تطبیق آن با کاری که زن‌های چادری هنگام استفاده از چادر انجام می‌دهند، معلوم شد که کارکرد و کیفیت پوشش هر دو یکسان است. ۴- رنگ، گذشت که به دلیل شواهد لغوی و تاریخی رنگ جلباب زنان عرب زمان نزول آیه مشکی بوده است و اکنون رنگ اکثر چادرها به ویژه چادر زنان متدین در محیط‌های مذهبی نیز مشکی است، بنابراین از نظر رنگ نیز اختلافی ندارند.

منابع و مأخذ:

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

١. ابن منظور الافريقى المصرى، ابى الفضل جمال الدين محمد بن مكرم، **لسان العرب**، على شيرى، دارصادر : داربيروت، بيروت، ١٩٨٨ ق.
٢. ابو داوود(امام حافظ ابوداود)، سليمان بن الأشعث، **سنن ابى داوود**، ابراهيم سيد، دارالفكر، بيروت- لبنان، ١٤٢٠ ق.
٣. المقرئ فيوسى، احمد بن محمد، **المصباح المنير فى غريب الكبير للرافعى**، دارالمعارف، قاهره، ١٣٥٦.
٤. بستانى، فواد افرام ، **فرهنگ ابجدى الفبايى عربى-فارسى**، رضا مهيار، اسلامى، ١٣٧٦.
٥. حر عاملى (شيخ حر عاملى)، شيخ محمد بن حسن، **وسائل الشيعه**، مؤسسه آل البيت لا حياء التراث، ١٤١٤ ق.
٦. طباطبايى، سيد محمد حسين، **الميزان**، ترجمه: سيد محمد باقر موسوى همدانى، دفتر انتشارات اسلامى، چاپ هشتم، ١٣٦٨ هـ، ش.
٧. طبرسى، ابو منصور احمد بن على، **الاحتجاج**، دارالنعمان، ١٣٨٦ ق.
٨. طبرسى، فضل بن حسن، **مجمع البيان**، ١٣٧٢ ش.
٩. طوسى، محمد بن حسن، **التبيان فى تفسير القرآن**، الطوسى ابى جعفر محمد بن الحسن، قم، مؤسسه النشر الاسلامى، ١٣٧١.
١٠. عظيم آبادى، محمد شمس الحق، سلمان مشهور حسن، **عون المعبود: شرح سنن ابى داوود**، دارالفكر، ١٣٨١.

۱۱. قرطبی، محمد بن احمد، **الجامع لأحكام القرآن**، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۱۲. قمی مشهدی، میرزا محمد، **کنز الدقائق و بحر الغرائب**، وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی - مؤسسه الطبع و النشر - تهران ایران، ۱۳۶۷ هـ ش.
۱۳. کاشانی، فیض ، **تفسیر صافی**، اعلمی حسین، مکتبه الصدر، تهران - ایران، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. کمره ای، محمد باقر، **اصول کافی**، سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۰.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۱۵ ق.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ هـ ش.
۱۷. مهدی زاده، حسین ، **"حجاب شناسی چالش ها و کاوش های جدید"**، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۲.